

سیر تاریخی شهر و شهرنشینی ایلام در تاریخ شهرنشینی ایران

مسلم سلیمانیان^۱
فریبا فرجی^۲

چکیده

انسان‌ها در گذر تاریخ برای انتخاب بهترین شیوه زندگی، مراحل مختلفی را پشت سر نهاده‌اند. از غارنشینی ماقبل تاریخ تا زندگی در کلان‌شهرها و متروپولیتن‌های امروزی، سیر تحولات تاریخی در شیوه زندگی بشر نمایان است. در پژوهش حاضر، سیر تاریخی شهر و شهرنشینی در شهر ایلام بررسی شد. تاریخ کهن ایلام، با وجود آثار عظیم باستانی و تاریخی‌ای که از پیشینه این شهر حکایت دارد، هنوز به طور کامل برای محققان و مورخان شناخته نشده است. چگونگی ساختار اجرایی شهرها می‌تواند در چارچوب امور اداری، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، انتظامی و حقوقی بررسی شود. شهرها بسته به اینکه به وسیله حکام محلی یا حکومتی اداره می‌شدند، وضعیت متفاوتی داشتند. این پژوهش بر اساس مباحث نظری و بر پایه اطلاعات تاریخی اسناد کتابخانه‌ای و مشاهدات عینی، به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. اطلاعات استخراج‌شده از اسناد موجود، جمع‌آوری و پالایش شده و به ضمیمه مشاهدات در چارچوب نظری به رشته تحریر درآمده است. نتایج تحقیق نشان داد که پیوند حیات سیاسی با شرایط و ویژگی‌های جغرافیایی و انسانی در ایلام مرتبط می‌باشد. بی‌تردید افزون بر تأثیر شرایط ویژه ژئوپولیتکی ایلام، تأثیر عوامل طبیعی در حیات سیاسی این شهر نیز باعث توجه حکام و فرمانروایان محلی و مرکزی به این منطقه در طول تاریخ بوده است.

واژگان کلیدی: ایلام، والیان، شهر و شهرنشینی، توسعه شهری.

مقدمه

سیر تحول تاریخی یک ناحیه از منظر شهر و شهرنشینی و چگونگی انتخاب آن به عنوان محل سکونت، در روند مطالعات سیاسی، اجتماعی و تاریخی آن مکان حائز اهمیت است. توجه به این مسئله نگارندگان را بر آن داشت تا سیر تحول الگوهای سکونت در ایلام و علل و عوامل ایجاد این شهر را از نگاه تاریخی مورد بررسی قرار دهند. اشیای مکشوفه، مطالعات باستان‌شناسی و تحقیقات علمی کسانی چون پروفیسور والتر هیتس، دیولافوا و دیگران نشان می‌دهد که ایلام زیستگاهی باستانی بوده است. منطقه‌ای که شهر کنونی ایلام در آن بنا شده در دوران باستان جزئی از قلمرو بزرگ تمدن ایلام بوده است. شواهد و قراین نشان می‌دهد که این منطقه بر سر راه ارتباطی تمدن ایلام با سایر تمدن‌ها قرار داشته و به دلیل شرایط خاص جغرافیایی در ادوار مختلف به عنوان سکونتگاه دائمی و موقتی انتخاب شده است؛ هرچند که در برهه‌های مختلفی از تاریخ، بنا به دلایلی رونق و آبادانی خود را از دست داده و موجب شده است شکل‌گیری کامل یک روستا یا شهر در این منطقه با موفقیت روبه‌رو نشود. می‌توان گفت دلایلی چون وجود بعد مسافت با مراکز حکومتی، مانع از قرار گرفتن ایلام در حیطه اقدامات شهرسازی و ایجاد شرایط اسکان دائم تا قرون معاصر شده است. هرچند شرایط اقلیمی در تصمیم برای انتخاب این شهر به عنوان کانون رویدادهای تاریخی سهم مهمی داشته است؛ اما شرایط اخیر تنها در پرتو اراده حاکم می‌توانست نقش اثرگذار داشته باشد. با در نظر داشتن نقش حیاتی شهر ایلام در انسجام و انتظام زندگی جمعی منطقه، این مسئله مطرح می‌شود که شهر ایلام چرا و چگونه به وجود آمده است؟ به نظر می‌رسد تنها با تکیه بر عامل سیاسی نمی‌توان علل پدید آمدن شهر ایلام را توضیح داد و باید نقش علل اقتصادی - اجتماعی را هم‌تراز با علل سیاسی در نظر داشت. توجه به ابعاد مختلف به این معناست که هر مؤلفه‌ای در پدید آمدن یک تشکل اجتماعی نمی‌تواند جدا عمل کند؛ زیرا تناقض‌های دیگر داخل جامعه بر آن تأثیر می‌گذارند و کنار هم قرار گرفتن این مؤلفه‌ها سبب می‌شود که یکی از دو وضعیت رخ دهد: یا این تناقض‌ها به تقویت یکدیگر منجر می‌شوند که به پدید آمدن شهر می‌انجامد یا اینکه مانع

گسترش یکدیگر می‌شوند که این مسئله نیز به رکود و انحطاط یا زوال می‌انجامد. پژوهش حاضر می‌کوشد ضمن پاسخگویی به این سؤال و پرداختن به سیر تحول، علل و عوامل مؤثر در شکل‌گیری این شهر را در سیر تاریخی خود واکاوی کند؛ بنابراین به اهمیت شهر ایلام در شناخت جغرافیای تاریخی ایران و زیست‌بوم منطقه مورد مطالعه بر اساس منابع و مدارک موجود پرداخته است.

پیشینه پژوهش

در کتاب‌ها و مقالات زیادی به بررسی ویژگی‌های جمعیتی، اقلیمی، اقتصادی و ... استان ایلام و شهر ایلام پرداخته شده؛ اما سیر تاریخی شکل‌گیری شهر و شهرنشینی در ایلام به طور اخص موضوع مورد مطالعه نبوده است. از جمله پژوهش‌های انجام‌شده می‌توان به کتاب «ایلام و تمدن دیرینه آن» به نگارش ایرج افشار سیستانی (۱۳۷۲) اشاره کرد که به ویژگی‌های اقلیمی، اقتصادی و مردم‌شناسی و ساختار اجتماعی استان ایلام می‌پردازد. مرتضی اکبری در کتاب «ایلام از آغاز تا سقوط قاجاریه» که در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسانده است، سیر تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی استان ایلام را تشریح می‌نماید. همچنین سیاوش یاری (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «گذری بر تاریخ چند هزار ساله ایلام»، سرگذشت مردم و حکومت‌ها و قلمرو جغرافیای سیاسی ایلام تا دوره اتابکان را بررسی کرده است. حجت شیخی (۱۳۸۱) نیز در مقاله «روند تاریخی سکونت و شهرنشینی در ایلام»، از ایجاد نقاط شهری و شهرنشینی در مناطق مختلف استان ایلام از دوره ایلام باستان تا انقلاب مشروطه در ایران و پس از آن سخن گفته است. محمد شوهانی (۱۳۷۸) پیامدهای زیست‌محیطی ناشی از گسترش فیزیکی شهر ایلام را در قالب پایان‌نامه، تحلیل کرده و ارائه داده است. مصدق ارزانی (۱۳۹۳) هم در کتاب خود با عنوان «شکل‌گیری شهر ایلام از نگاه جغرافیایی و تاریخی» به بررسی موقعیت و ویژگی‌های طبیعی و انسانی در نقاط مختلف استان ایلام پرداخته است.

طبق واکاوی مقالات و پژوهش‌های انجام‌شده، هیچ یک از منابع موجود به موضوع روند تاریخی شهرنشینی در شهر ایلام و علل و عوامل مرکزیت و گسترش فیزیکی آن به صورت دوره‌ای و منسجم نپرداخته

است. مقاله حاضر در صدد است تا سیر تاریخی شهرنشینی در شهر ایلام و عوامل دخیل در رشد و توسعه و در مرکزیت قرار گرفتن آن را مورد بررسی قرار دهد.

نام و نشان تاریخی شهر و شهرنشینی

بنای شهر یکی از کهن‌ترین و مهم‌ترین ابداعات بشری است. از زمان پیدایش نخستین شهرها تا کنون، پیشرفت و انحطاط تمدن، رابطه نزدیکی با پیشرفت و زوال شهرها داشته است. اگرچه شهر دستاورد حیات جمعی انسان و مناسبات ناشی از آن است و از این رو نسبت به حیات جمعی مقوله‌ای ثانوی محسوب می‌شود؛ اما بر همگان آشکار است که در روند تکاملی تمدن انسانی نقش بسیار مهمی را ایفا کرده است. پیدایش شهرها در مرحله نخست، حاصل استقرار نسبی انسان در یک منطقه و افزایش جمعیت در آنجا، تجربه‌اندوزی انسان، تنوع یافتن فعالیت‌های وی و تخصصی کردن آنها، روابط متقابل با سکونتگاه‌های دیگر و ملاحظات اقلیمی و تاریخی بوده است؛ لیکن پس از شکل‌گیری و تثبیت موقعیت، شهرها نقش مهمی در شتاب بخشیدن به روند تمدن انسانی داشته‌اند. از این پس، مفاهیم شهر و انسان متمدن با یکدیگر عجین شده و شهرنشینی نقش بسزایی در روند تکاملی زیست جمعی ایفا نموده است. انسان شهرنشین به موازات دور شدن تدریجی از طبیعت و به همراه تنوع بخشیدن به زندگی از قدیم‌ترین ازمینه، شهرنشینی را بنا نهاد. شهر مسکن اهل تخصص بوده است و به وجود آمدن تخصص حاصل تنوع فعالیت‌های اقتصادی است و این امر به عنوان نیاز و تجربه بشری از آنجا ناشی می‌شود که مردم شهرنشین دست زدن به فعالیت‌های گوناگون در محیطی یکپارچه را بیشتر مقرون به صرفه می‌بینند. همین وجه متنوع کارکردهای شهر است که ساختار حیات شهری را از روستا متمایز می‌کنند و در روند تمدن انسانی نقش می‌آفرینند.

محدوده مورد مطالعه

استان ایلام با مساحتی در حدود ۲۰ هزار و ۱۵۰ کیلومتر مربع، بیست و دومین استان از نظر مساحت در ایران است که در دامنه سلسله‌جبال



زاگرس و جهت جغرافیایی غرب کشور قرار دارد. این استان از نظر همجواری، از شمال به استان کرمانشاه، از جنوب به استان خوزستان، از غرب به کشور عراق و از شرق به استان لرستان محدود می‌شود و بر اساس تقسیمات کشوری، اکنون ۱۲ شهرستان (آبدانان، ایلام، ایوان، بدره، دره‌شهر، دهلران، چرداول، ملکشاهی، مهران، هلیلان، سیروان و چوار) دارد. در سال ۱۳۱۶ هـ.ش در تقسیمات کشوری، ایلام بخشی از استان کرمانشاه محسوب می‌شد و در سال ۱۳۴۳ محدوده کنونی استان ایلام به عنوان فرمانداری کل و شامل شهرستان‌های ایلام، دهلران، دره‌شهر و مهران به صورت نیمه‌مستقل اداره می‌شد. در فروردین ماه سال ۱۳۵۳ پس از تصویب هیئت وزیران، فرمانداری کل ایلام به استان ایلام تبدیل شد (اکبری، ۱۳۸۶: ۴۳-۴۴). پس از آن تقسیمات کشوری ادامه یافت و شهرستان‌ها به تعداد کنونی؛ یعنی ۱۲ شهرستان مذکور ارتقا یافت. شهرستان ایلام مرکز استان ایلام در شمال غربی استان قرار گرفته و با شهرستان‌های ایوان از غرب، ملکشاهی از جنوب، سیروان از شمال شرق و مهران از جنوب همسایه است. شهرستان ایلام از سمت غرب با عراق مرز مشترک دارد. بافت شهری ایلام در حال حاضر بازسازی و نوسازی شده و گسترش یافته است.

وجه تسمیه

شهر ایلام جزئی از تمدن بزرگ ایلام باستان است که در گذر زمان اسامی مختلفی چون: آلام، آلامتو، آریوجان، پهل، ماسبدان، جبال، پشتکوه، حسین‌آباد و ایلام داشته است (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۱۵۵). مورخان و محققان در مورد وجه تسمیه و نامگذاری ایلام نظرات مختلفی داده‌اند که به اختصار به چند مورد اشاره می‌شود: «کلمه ایلام از دو قسم تشکیل شده است: قسم اول «ایل»، قسم دوم «ام». ایل به معانی مختلف از جمله کشور، منزلگاه، قلمرو، همراه، ولایت، طایفه و قبیله می‌باشد «ام» علامت متکلم وحده و تخصیص امر به گوینده است. برای همین وقتی می‌گویند ایلام؛ یعنی کشور من، مملکت من» (ذاکریان، ۱۳۸۸: ۱۵). ذاکری به نقل از «احمد اقتداری» نویسنده کتاب «آثار و بناهای تاریخی خوزستان» می‌گوید: املا و رسم‌الخط صحیح کلمه، «ایلام» است نه «عیلام»؛ زیرا این نام که از روی الواح ایلامی خوانده شده، از گروه زبان‌های «اورال آلتایی» ماخوذ

شده و از گروه زبان‌های سامی، هند، اروپایی و فارسی نیست؛ چون در آن تاریخ یعنی حداقل شش هزار سال قبل از میلاد، زبان‌های فارسی و اردو وجود نداشته‌اند؛ لذا کلمه ایلام نمی‌تواند از مشتقات این زبان‌ها باشد (همان: ۱۳). سومری‌ها حروف اختصاری «NIM» را برای ایلام به کار می‌بردند و این کلمه در زبان سومری به معنای بالا است (هینتس، ۱۳۷۱: ۲۵). چنین به نظر می‌رسد که «جلگه آریوخ» قدیمی‌ترین نام این منطقه (ایلام) بوده است. تا قبل از سده ۱۳ میلادی، این منطقه به آریوجان شهرت داشته است (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۳۸). بابلی‌ها قسمت مرتفع سرزمینی که در مشرق بابل قرار داشت را «آلامتو» یا «الام»، به معنی کوهستان و شاید کشور طلوع خورشید نامیدند که ایلام کنونی بخشی از آن بود. ایلام واژه‌ای آکدی است و آکدی‌ها از هزاره سوم ق.م آن را که مفهوم مرتفع دارد، به کار می‌بردند (آمیسه، ۱۳۸۱، ج ۳: ۲). ایلام با اسامی دیگری نیز در تاریخ خوانده شده است. یونانی‌ها ایلام را «الیمایس» می‌خواندند که به معنی جبال یا کوهستان می‌باشد (یعقوبی، ۱۳۸۶: ۵۳). بر طبق تحقیقات انجام گرفته، منطقه ایلام جزء سرزمین پهله (یا پهلوی) قرار گرفت؛ یعنی استان بزرگی که اعراب بعد از فتح ایران آن را جبال می‌گفتند. در زمان حکومت ساسانی به علت حاصلخیزی و نزدیکی به جلگه بین‌النهرین، جمعیت این منطقه رو به افزایش نهاد و شهرسازی و شهرنشینی در آن رونق یافت و شهرهایی مانند ماسبذان، سیروان، سیمره، مهرجانقذق و دهستان‌های بزرگ و کوچکی مانند الرذ و رودبار در این ناحیه تأسیس شد (جعفری و جعفری، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

جمعیت و اقوام

در حال حاضر جمعیت شهر ایلام حدود ۳۵۰ هزار نفر است که از اقوام و طوایف مختلف تشکیل شده است. بنا بر تحقیقات باستان‌شناسی می‌توان گفت ایران و منطقه ایلام در طول تاریخ رهگذر نژادها و ملل مختلف بوده و زبان‌ها و لهجه‌های گوناگون در این سرزمین تکلم شده‌اند و خصوصیات جسمانی متفاوتی در این محل به هم آمیخته‌اند. پیش از ورود آریایی‌ها، نژادهای بومی در این منطقه می‌زیسته‌اند. استخوان‌های بازمانده از عصر حجر قدیم حاکی از این است که نژادهایی چون کاسیان، عیلامیان، هپادتیپیان، لولوبیان و ... در ایلام و پیرامون آن سکونت داشته‌اند؛

از آن میان کاسیان متمدن‌ترین ملل عصر خود و قدیمی‌ترین ساکنان و حکام لرستان و ایلام امروزی بوده‌اند (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۲۹۳ و ۲۹۵). به نظر می‌رسد که ایلامی‌ها با لولوبی‌ها، یک نژاد کوه‌نشین همسایه در شمال و دیگر مردمی که «سو» نامیده می‌شوند وجه اشتراک فراوان دارند (هیئتس، ۱۳۷۱: ۲۶). پارسی‌ها مردمی آریایی نژاد هستند که گروهی از آنان در غرب از جمله استان ایلام به نام عجم زندگی می‌کردند (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۲۹۷). بررسی آثار مکشوفه از قبرستان‌ها و محوطه‌های باستانی در محدوده شهر ایلام نشان می‌دهد که این شهر در دوران مختلف تاریخی از سکونتگاه‌های مهم بوده است. در برخی منابع به شهر رذ یا رذین اشاره شده که تا قرون اولیه اسلامی، منظور از آن این منطقه بوده است (یعقوبی، ۱۳۸۶: ۷۳). از روی آثار سنگی و مفرغی به دست آمده در محدوده شهر ایلام می‌توان به شیوه گذران زندگی قبایل ساکن در آن پی برد. اغلب این آثار مربوط به شکار، کشاورزی و دامداری بوده‌اند.

بنا به گفته افشار سیستانی، اقوام کنونی ایلام نیز یا از بازماندگان اقوام باستانی منطقه‌اند که با در نظر گرفتن اختلاط با اقوام مهاجم و مهاجر گوناگون هستند یا از اعقاب مهاجرانی که به اسباب مختلف از جمله حاکمیت و امارت یا تهاجم نظامی وارد منطقه شده و با بومیان به صورت همزیستی سکونت پیدا کرده‌اند. از جمله این مهاجران به ایلام، لرها هستند که گردشگران و سفرنامه‌نویسانی چون دخانیکوف آنها را چنین توصیف کرده‌اند: لرها دارای قد متوسط، جسم نیرومند، چشم قهوه‌ای، زلف سیاه با امواج درشت و ابروان پرپشت، فک چهارگوش، گونه برجسته، گردن کوتاه، بینی عقابی و نگاه سخت هستند. گروه اعراب نیز از سده نهم هجری در تاریخ و حوادث این مناطق وارد شده و بومی این سرزمین نبوده‌اند و از عراق و جزیره‌العرب مهاجرت کرده و از دوره اشکانی وارد ایران شده‌اند. از مهمترین کسانی که در ایلام زندگی می‌کنند، ایل‌ها و طوایفی هستند که اکنون به زبان کردی صحبت می‌کنند و حدود ۸۵ درصد جمعیت ایلام را تشکیل می‌دهند و از نژاد آریایی‌اند (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۳۰۱). آنها مردمی زیبا، با قد متوسط، شانه عریض، موهای سیاه، چشم‌های درشت به رنگ سیاه تند، ابروهای پرپشت و ... می‌باشند. کردها از لحاظ نژادی خالص‌تر از گروه‌های

دیگر هستند؛ زیرا پاره‌ای از خصوصیات جسمانی ایرانیان قدیم در آنان وجود دارد (دمورگان، ۱۳۹۶، ج ۲: ۲۲). زبان این شاخه از کردها که در ایلام زندگی می‌کنند شامل لهجه‌های کلهری، فیلی و لکی می‌باشد که کردی فیلی، گویش عمده مردم استان ایلام از جمله طوایف عمده و قدیمی آن است که با اندک اختلافاتی در شهرستان‌های مختلف ایلام بدان تکلم می‌شود و در مجموع ذیل عنوان کردی جنوبی دسته‌بندی می‌شوند (یعقوبی، ۱۳۸۶: ۷۸).

اعتقادات

در مورد اعتقادات مردم ساکن در این منطقه قبل از اسلام چنین استنباط می‌شود که آنها نیز در دوران باستان مانند سایر اقوام و تمدن‌های تاریخی الهه‌های مختص به خود داشته‌اند. با توجه به انضمام منطقه کنونی ایلام به تمدن تاریخی ایلام، می‌توان گفت در دوران باستان پرستش خدایان در این منطقه رواج داشته است. خدایان ایلامی نخستین بار در قرن بیست و سوم پیش از میلاد قدم به گستره تاریخ گذاشتند و این نشان می‌دهد که مذهب در ایلام از پیشینه بسیار کهن برخوردار بوده است (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۵۰). خدای ایلامی «ناهونته»، واژه‌ای محلی برای خورشید بود و در اصل ناهونده، یعنی خالق روزی بود. «شیموت» هم از خدایان برجسته ایلامیان بود و به مثابه «مشیر قوی خدایان» منظور می‌شد و در سراسر کشور مورد احترام بود (هیتس، ۱۳۷۱: ۵۵-۵۶). به طور کلی سمبل‌های مذهبی ایلام باستان را به پنج گروه می‌توان تقسیم نمود: «۱- حیوانات (مار) (هرتسفلد، ۱۳۵۴: ۲۱)، ۲- اجرام سماوی (ماه، خورشید و ستاره) (کرمی، ۱۳۸۲: ۲۱)، ۳- نباتات (صراف، ۱۳۸۴: ۱۰۳)، ۴- عناصر طبیعی (آب)» (کریمر، ۱۳۴۰: ۵۷)، ۵- عناصر انسانی (آمی، ۱۳۸۱: ۴۰). بنا بر اعلام منابع پس از ظهور زردشت، مردم این منطقه نیز به دین زردشتی درآمدند. مردم ایلام تا قبل از ظهور اسلام مانند دیگر نقاط ایران از دین زردشتی پیروی می‌کردند. پس از فتح شهرهای ایران به وسیله مسلمانان، مردم ایلام نیز دین اسلام را اختیار کردند (یعقوبی، ۱۳۸۶: ۷۷). پس از رواج اسلام و ورود اسلام به ایران، اقوام ساکن در منطقه مسلمان شدند و بنا به تبعیت از عباسیان به مذهب تسنن درآمدند. «با کاوش در منابع و مآخذ مربوط به اتابکان لر کوچک هم می‌توان نتیجه گرفت که از آغاز

شکل‌گیری حکومت آنان در حوالی سال ۵۸۰ هـ ق توسط شجاع‌الدین خورشید تا سقوط بغداد در سال ۶۵۶ هـ ق پیرو مذهب سنی بوده‌اند و با حمله مغولان به ایران و انقراض خلافت عباسی به تدریج گرایش آنان به تشیع شروع شد و در دوره صفویان آشکارتر گردید» (بیانی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۳۰۳). «اقلیتی از پیروان یارسان نیز در ایلام زندگی می‌کنند. هنری راولینسون که در سال ۱۸۳۶م. از پشتکوه دیدن کرده، اغلب ایلات پشتکوه را علی‌اللهی معرفی نموده است» (شوهانی، ۱۳۹۶: ۱۰۳).

وضعیت سکونت در ایلام باستان

هرچند شهرنشینی در استان ایلام با ویژگی‌های امروزی مربوط به چهار دهه اخیر است؛ اما بر طبق منابع مختلف تاریخی و آثار باستان‌شناسی، قدمت سکونت در این منطقه به دوره باستان برمی‌گردد و محدوده فعلی استان ایلام در آن زمان بخشی از ایلام باستان بوده است که حدود چهار الی سه هزار سال قبل از میلاد حکومت داشته‌اند.

یافته‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که بخش غربی زاگرس در محدوده استان ایلام، از دوره‌های پیش از تاریخ محل و مکان مردمی بوده است که توانسته‌اند با اهلی کردن و کاشت دانه‌های گندم و جو و ... و با ساخت ابزارهای سنگی، عامل تحولات گسترده در جوامع باستانی باشند (محمودیان، ۱۳۸۹: ۲۴). از اقوامی که در هزاره سوم و دوم پیش از میلاد در مناطق غربی ایران و کوهستان‌های زاگرس (از جمله ایلام)، می‌زیسته‌اند می‌توان به کوتیان و کاسی‌ها اشاره کرد. اطلاعات موجود در خصوص قبایل کوه‌های زاگرس به طور عموم بریده‌بریده و ناقص است. این مناطق معمولاً از سوی دولت‌های آشور و اکد مورد حمله قرار می‌گرفتند. پس از آن ایجاد حصار دفاعی در اطراف مناطق مسکونی، از افزایش ثروت ساکنان حکایت دارد. در آن زمان دام‌ها ثروت اصلی را تشکیل می‌دادند. بر اثر افزایش تعداد دام‌ها مسئله تأمین مراتع پیش آمد. از آن پس احتمالاً اهالی اندکاندک شیوه زندگی اسکان یافته را پذیرفتند و در تابستان دام‌ها را در کوهستان‌های زاگرس می‌چراندند. در این دوره بود که تقسیم کار اجتماعی صورت گرفت و قبایل شبان‌پیشه و زراعت‌پیشه پدید آمدند. قبایل کوهستانی که میان ماد و ایلام (احتمالاً ایلام کنونی نیز از این مناطق بوده است) می‌زیستند، چیره‌دستی

فوق‌العاده‌ای در ساختن مصنوعات مفرغی به دست آوردند. مدارک و منابع مکتوب، اطلاعات زیادی را درباره کاسیان یا کاسیت‌ها که در آن زمان مهمترین قبایل زاروس شمرد می‌شدند، به دست می‌دهند. ناحیه زاگرس با تمدن و فرهنگ بابلی نیز در تماس بوده است. می‌توان حدس زد که کاسیان قبیله‌ای بودند در کوهستان‌ها که پیشه دامداری داشتند و به زبانی که با ایلامی قرابت داشت سخن می‌گفتند. ایلامیان همسایه و خویشاوند ایشان بودند. به هر تقدیر کاسیان از آغاز هزاره سوم قبل از میلاد در این مکان زندگی می‌کردند و بعدها به دامداری و زندگی نیمه‌اسکان‌یافته در کوه‌ها اشتغال داشتند (دیاکونف، ۱۳۴۵: ۱۵۶-۱۶۲). بنابراین سکونت در ایلام سابقه تاریخی بسیار کهنی دارد و این منطقه جزء قدیمی‌ترین مناطق تاریخی ایران است. ساکنان اولیه این سرزمین از قبایل شکارچی و گله‌دار تشکیل می‌شده است که به صورت اشتراکی زندگی می‌کردند. بر اساس تحقیقات به عمل آمده، هشت هزار سال پیش از میلاد، ماسبدان (ایلام امروزی) یکی از ولایات مملکت ایلام قدیم محسوب می‌شده است (یعقوبی، ۱۳۸۶: ۴۹). شهر سیمره که به گفته مورخان در شرق تیسفون بنا شده، بالغ بر ۲۰۰۰۰ نفر جمعیت داشته است. این شهر در زمان یاقوت حموی دچار زلزله شده و عمارت‌های آن تخریب شده‌اند. آنچه معلوم است این شهر مکان تجارت نبوده؛ بلکه مکانی مسکونی و زراعی و در زمان ساسانیان، آباد و تا دوره آل بویه محل سکونت بوده است. سیمره را باید آغاز و طلیعه شهرنشینی در ایلام محسوب کرد (شیخی، ۱۳۸۱: ۹۲). در ایلام نقاط مسکونی قدیمی‌ای یافت شده‌اند که بیانگر تمدنی کهن هستند (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۳۱۷).

طبق یافته‌ها ساکنان این منطقه پیشرفت‌های قابل توجهی در صنایع سنگی و تهیه ابزارهای مورد نیاز خود در دوره‌های پیش از تاریخ و دوران بعدی داشته‌اند. بر اساس حفاریات و مطالعات انجام‌شده قدیمی‌ترین دوره استقرار آنها متجاوز از ده هزار سال پیش بوده است. در حوزه مرکزی استقرار انسان در دره میشخاص از دوران سنگ تا کنون را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد موقعیت جغرافیایی، اقلیم مناسب، منابع آب و مواهب طبیعی عامل تداوم استقرار در این منطقه بوده است (محمودیان، ۱۳۸۹: ۳۲). وجود راه‌های باستانی در ایلام و آثار مکشوفه در این منطقه نشان می‌دهد که ایلام تمدن‌ها و مراکز جمعیتی مهمی داشته است؛



به عنوان مثال خانم فریبا استارک طی سال‌های ۱۹۲۷-۱۹۳۱ م. / ۱۳۰۶-۱۳۱۰ به نواحی کبیرکوه و ایلام مسافرت نموده و در سفرنامه‌اش با نام «الموت، لرستان و ایلام» مکان‌های مورد بازدید خود را توصیف کرده است. مسیری که خانم استارک از بغداد به سمت ایلام پیموده، می‌تواند به عنوان یکی از راه‌های باستانی مورد توجه قرار گیرد. او از طریق شهر کوت در عراق به منطقه مرزی بدره نزدیک مهران رسیده است و پس از گذر از مهران از طریق ساحل رود کنجان‌چم به قلعه حسینقلی خان وارد شده و از طریق همین راه باستانی، مسیر کبیرکوه و دره‌شهر و بدره را در پیش گرفته است (استارک، ۱۳۶۴: ۹۲). به طور خلاصه، یکجانشینی در ایلام پس از یک دوره غارنشینی و کوچ‌نشینی با توجه به شرایط مساعد آب و هوایی و وجود رودهای پر آب و مرغزارها و چراگاه‌ها و ثبات این وضعیت طبیعی رواج یافت. تمدن شهری و اقتصاد و صنعت روستایی پس از اسلام بنا به ارتباط با سایر نقاط و اشاعه فرهنگ و تمدن، روزنه تازه‌ای به این منطقه گشود.

کوچ‌نشینی و یکجانشینی در ایلام پس از اسلام (از ورود مسلمانان به ایران تا دوره صفویه)

از آثار مختلفی چون آتشکده‌ها، قلاع و نقاط شهری مانند شهر سیمره در استان ایلام مشخص است که این منطقه در دوره ساسانیان یکی از آبادترین مناطق شاهنشاهی به شمار می‌رفته است. هوای معتدل، چشمه‌سارها و رودخانه‌هایی که از دل کوه‌های اطراف این منطقه بیرون می‌آمد، باعث ایجاد دره‌های حاصلخیز جهت کشت و کار شده و این امر باعث رونق حیات شهرنشینی در این برهه از زمان بوده است. شهرهای ماسبدان، شیروان، سیمره و دهستان‌هایی مانند طرز و الرذ (شهر کنونی ایلام) در این دوره گسترش یافته‌اند؛ اما پس از انقراض ساسانیان و با حمله سپاهیان مسلمان، این منطقه به تصرف اعراب درآمد (بهرامی، ۱۳۷۵: ۳۰). منابع موجود در مورد اوضاع محدوده کنونی شهر ایلام پس از اسلام تا دوره صفویه و سلطه خوانین و والیان، اطلاعات چندانی به دست نمی‌دهند؛ اما آنچه عیان است پس از ظهور اسلام و ورود مسلمانان به ایران، مردم این منطقه به صورت خراج‌گذار از در مصالحه درآمده و در گذر سیطره سلسله‌های مختلفی چون: بنی‌امیه، بنی‌عباس، سلجوقیان و...

تحت لوای حکومت مرکزی ادامه حیات داده‌اند. اعراب در جنگ‌هایی چون قادسیه، جلول و نهاوند، ساسانیان را شکست دادند و منقرض کردند. به گفته ابن اثیر در «الکامل» در سال ۱۶ هجری سپاه آذین پسر هرمزان با سپاه ضرار بن خطاب در محل ماسبذان به هم برخوردند و در این جنگ آذین کشته شد و ضرار با مصالحه با مردم ماسبذان وارد این سرزمین شد و آن را فتح نمود. ابوموسی اشعری سردار سپاه مسلمانان پس از فتح دینور که به شرط پرداخت جزیه و خراج، امنیت مال و جان آنها تضمین شده بود، عامل خود را آنجا گذارد و خود به سوی ماسبذان حرکت کرد. ساکنان ماسبذان با وی نجنگیدند و با شرایط پرداخت جزیه و خراج صلح نمودند. ابوموسی پس از آن سوارانی را به اطراف فرستاد و زمین‌های آنها را به تصرف خود درآورد (یاری، ۱۳۸۰: ۴۶). ایلام در تقسیمات پس از اسلام جزء ایالت جبال یا کوهستان بود و پس از خلفای راشدین و روی کار آمدن امویان و سپس عباسیان این ناحیه تحت قلمرو آنها اداره می‌شد. ناحیه ایلام که اکنون شهر ایلام در آن بنا شده است در آن زمان یک آبادی به نام رذ بود که به گفته مورخان در اطراف آن شکارگاهی بکر و قابل توجه وجود داشت و به علت همجواری با عراق و آب و هوای مساعد شکارگاهی برای خلفای عباسی بود (اکبری، ۱۳۸۶: ۲۲۹-۲۳۰).

پس از درگذشت منصور، دومین خلیفه عباسی، فرزندش ابوعبدالله محمد المهدی جانشین او شد. وی در سال ۱۶۹ هجری در روستای رذ (شهر ایلام کنونی) در حال شکار از اسب بر زمین افتاد و کشته شد. در منابع مختلف به شیوه مرگ او اشاره شده است. یعقوبی (۱۳۸۲، ج ۱: ۴۰۳) می‌گوید: «مهدی یازده شب گذشته از محرم سال ۱۶۹ هجری از بغداد رهسپار عراق عجم شد و در قریه‌ای به نام رذ از قرای ماسبذان (ایلام امروزی) فرود آمد و برای شکار بیرون رفت و تمام روزش را سرگرم تعقیب شکار بود. وی به تعقیب آهوئی شتافت و آهو همچنان می‌تاخت تا آنکه آهو به درون ویرانه‌ای جست و سگ‌های شکاری در پی او تاختند و اسب مهدی او را در پی آهو به درون ویرانه کشید و در ویرانه او را صدمه زد و به سراپرده‌اش حمل گردید و هشت روز مانده از محرم سال ۱۶۹ در چهل و هشت سالگی درگذشت».

جسد مهدی در شهر ایلام کنونی دفن گردید. مقبره وی در محل



کنونی پارک کودک ایلام قرار داشت که به علت تعصبات مذهبی و عدم توجه به مسائل توریستی و به احتمال زیاد در سال ۱۳۵۲، برخی از مردم این شهر، مقبره او را که بنایی سنگی و هرمی با ارتفاع ۸ متر داشت، تخریب کردند. وجود قبر مهدی در این ناحیه دلالت بر این نکته دارد که رذ یا ایلام امروزی از مناطق خوش آب و هوا و آباد و بااهمیت بوده است و خلفا از آن به عنوان مسیر و گذرگاه به سایر نقاط استفاده کرده‌اند (یعقوبی، ۱۳۸۶: ۶۷-۶۸). به نظر می‌رسد این امر مزید بر سایر ویژگی‌ها، در جذب و یکجانشینی قبایل و اقوام در این منطقه نقش مهمی ایفا کرده است.

بنای هسته اولیه شهر از دوره صفویه و تحولات آن تا دوران قاجار منطقه ایلام جزء قلمرو اتابکان لر کوچک (۵۰۷ تا ۱۰۰۶ هـ.ق) گردید تا اینکه در دوره صفویه شاه عباس بزرگ (۹۹۶ تا ۱۰۳۸ هـ.ق) سلسله اتابکان لر کوچک را منقرض نمود و در تقسیمات سیاسی کشور تجدید نظر کرد. وی به علت اهمیت مناطق مرزی، چهار والی نشین به وجود آورد. یکی از آنها که منطقه ایلام را هم تحت سلطه داشت، حسین خان سله‌ورزی بود (همو، ۱۳۸۶: ۸۵). سرکشی و عصیان آنها باعث شد که شاه عباس اول، حکومت فرمانروایی پشتکوه و پیشکوه را به تیره کم‌نام و نه‌چندان مشهور «فیلی‌ها»، که یکی دیگر از طوایف سله‌ورزی‌های بودند، واگذار کند. از آن زمان به بعد به طوایف تحت قلمرو لر کوچک طوایف فیلی می‌گفتند و بعدها که در زمان قاجاریه، محدوده قلمرو فرمانروایی و حاکمیت والیان به ایلام امروزی منحصر شد، نام فیلی نیز منحصر به طوایف و عشایر پشتکوه اطلاق گردید (راولینسون، ۱۳۶۲: ۵۱). استمرار حضور قبایل و طوایف در محدوده کنونی ایلام به علت وجود آب و شرایط اقلیمی مساعد، هسته اولیه شهر را بنیان نهاد.

تشکیل هسته فیزیکی شهر در کنار راه شمالی - جنوبی در جلگه‌ای در دامنه کوهپایه بوده؛ به طوری که آب مشروع و زراعی شهر از دو مسیل رودخانه‌های مانشت و قلندر و قنات‌هایی که شیب آنها از دامنه کوه‌های شمالی، غربی و غرب و جنوب غربی به طرف مرکز یعنی شرق جلگه روان بود، تأمین شده است (ارزانی، ۱۳۹۳: ۶۰). والیان فیلی یکی پس از دیگری به امارت پشتکوه و ایلام رسیدند تا اینکه حاکمیت

حسینقلی خان سردار اشرف بر ایلام از سوی مظفرالدین شاه تأیید شد و او تا سال ۱۳۱۸ هـ.ق بر پشتکوه ایلام فرمانروایی داشت. با وجودی که حدود ۶۸ سال از سن او گذشته بود با اقتدار تمام بر پشتکوه و ایلات و عشایر این منطقه حاکمیت داشت. وی که ملقب به ابوقداره، صارم‌الدوله و سردار اشرف بود مردی بسیار رشید و شجاع بود که فرماندهی افراد محلی و تفنگچیان را بر عهده داشت و طوایف عرب را که به خاک ایران در مرزهای ایلام تجاوز می‌کردند تا کرانه دجله عقب راند (رزم‌آرا، ۱۳۲۰: ۱۰۷). طبق منابع، تا قبل از بنای شهر ایلام، مردم این منطقه از نظر معیشت و شیوه زندگی، به صورت عشایری و روستایی روزگار می‌گذراندند و منطقه ایلام کنونی به دلیل شرایط مساعد اقلیمی، وجود آب، مرغوبیت زمین‌های دهبالا و ده‌پایین و ویژگی بیلاقی آن، جهت سکونت دایمی و یکجانشینی انتخاب شد.

قبل از توسعه، شهر ایلام به صورت دهکده‌ای در کنار نهر آب روستایی قلندر و مانشت شکل گرفته و به نعمت وجود این آب، توسعه یافته است. نهر آب روستایی قلندر از بافت قدیمی شهر عبور می‌کرد و عناصر اصلی شهر مانند مسجد جامع، بازار و محلات، همگی در کنار آن بنا شدند (ارزانی، ۱۳۹۳: ۶۷). در مورد مرکزیت قرار گرفتن شهر ایلام امروزی توسط حسینقلی خان و احداث قلعه والی توسط ایشان در کتاب «ایلام و تمدن دیرینه آن» چنین آمده است: حسینقلی خان والی از شهر خرم‌آباد به شهر ایلام امروزی (دهبالا) آمد و در محل فرمانداری کنونی قلعه‌ای ساخت و آن را حسین‌آباد نامید؛ سپس عشایر را به آن سرزمین کوچ داد. حسینقلی خان در مجلسی که در این قلعه برپا کرده بود از احمدخان، رئیس طایفه پنجستونی، پرسید «قلعه را چطور می‌بینی؟»، پاسخ داد: «من هم مانند دیگران می‌گویم مبارک باد». حسینقلی خان گفت: «تو را به ریشم قسم می‌دهم که حقیقت را بگو»، احمدخان اظهار داشت «حالا که قسم دادی راستش را می‌گویم؛ تو برای خود و مردم پشتکوه لانه زنبوری ساخته‌ای»؛ از این رو، تصمیم به بنای ساختمان‌های بیشتر و گسترش شهر گرفت (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۱۵۹). از حسینقلی خان آثار و ابنیه زیر به جای مانده است:

قلعه و باغ و کاخ حسین‌آباد در شهر ایلام، که در سال ۱۲۹۴ هـ.ق به وسیله معمار استاد آقای کرمانشاهی و با نظارت حاج محمدعلی

شیرازی بنا شده‌اند. بنای نخلستان و قلعه حسینی را نیز در سال ۱۲۹۷ هـ.ق با معماری همان شخص و نظارت میرخلیل‌بک رشنویی به اتمام رساند و در سال ۱۳۰۷ هـ.ق با سرپرستی استاد قنبربگ تفنگچی باشی ملکشاهی به حفر قنات امیرآباد و طواחסین اقدام کرد و آنها را به اتمام رساند (اکبری، ۱۳۸۶: ۵۰۰). سنگ‌نوشته حسینقلی خان والی در سال ۱۲۹۳ هـ.ق از وی به یادگار مانده است که متن آن درباره ساختن قلعه و باغ حسین‌آباد و حسینی است. این سنگ‌نوشته در بخش ورودی شمال شهر ایلام و در بلندی‌های مشرف پارک آزادی واقع است (محمودیان، ۱۳۹۳: ۱۰۳). حسینقلی خان در سال ۱۳۱۸ هـ.ق وفات یافت و در وادی السلام نجف اشرف دفن گردید. با مرگ او، فرزندش غلامرضاخان از طرف مظفرالدین شاه به حاکمیت پشتکوه منصوب و به صارم‌السلطنه ملقب شد. زمان والیان و خان‌ها تقریباً ساخت و ساز به شیوه شهرنشینی در ایلام رونق گرفت. احداث بنای قلعه والی توسط حسینقلی خان ابوقداره، در واقع ساخت و سازها و شکل‌گیری یک بافت شهری را آغاز و سرعت بخشید. مهاجرت‌های روستا به شهر نیز به واسطه تقویت مرکزیت ایلام به عنوان یک نقطه شهری با گسترش شهر در اطراف بافت قدیمی آغاز شد و برخی از روستاهای نزدیک شهر قدیم در درون این محدوده در حال توسعه ادغام گردیدند. قابل ذکر است که در زمان حاکمیت غلامرضاخان به واسطه رفتارهای ناپسند عمال والی با مردم، عده‌ای از مردم پشتکوه به عراق مهاجرت کردند که در پی آن، دستگاه مرکزی از والی خواست که رفتارش را با مردم تعدیل کند. غلامرضاخان در سال‌های آخر حکمرانی‌اش برای تأمین هزینه دستگاه خود و برای تحکیم قدرتش که هر دم رو به زلزله می‌رفت به بهانه‌های مختلفی از مردم مالیات می‌گرفت و با حرص عجیبی پول و مال می‌اندوخت؛ طوری که مردم را از خود بیزار کرده بود و اکثراً اظهار می‌کردند که رعیت دولتی‌م و والی نداریم. از جمله کارهای وی، اجاره دادن چشمه‌ها بود که آنها را جزء املاک اختصاصی خود می‌دانست. طوایف مجبور شدند برای رهایی از او با دولت همکاری کنند (مرادی‌مقدم، ۱۳۸۶: ۱۹۴).

توسعه شهر ایلام در دوره پهلوی

والی پشتکوه تا زمان رضاخان با تکیه بر نیروهای ایلات و عشایر

قلمرو خود، اقتدار و سلطه بر این نواحی را حفظ کرده بود؛ ولی با نفوذ حکومت مرکزی ایلات پشتکوه بر ضد والی و اقدامات ظالمانه او تحریک شدند (مرادی مقدم، ۱۳۸۶: ۱۵۴). رضاخان که هدفش بر هم زدن حکومت خان‌ها و ایجاد یک حکومت مرکزی مقتدر بود، حاکمیت والی پشتکوه را خاتمه داد و از آن پس ایلام و اطراف آن تحت فرمان حکومت مرکزی و نظارت نظامیان حکومتش اداره می‌شد.

پس از به قدرت رسیدن رضاشاه و سیاست تمرکز قدرت و سرکوب نیروهای عشایری و مقاومت‌های محلی، والیان خاندان ابوقدره که در زمان قاجاریه، عناوین تومانی و صارم‌السلطنه و غیره داشتند و تا حدودی از مرزهای غربی و جنوبی ایلام حراست می‌کردند از ایلام اخراج شدند و از آن پس قدرت مرکزی حاکم بر ایلام بود. در این شرایط نیز رضاشاه طرح اسکان اجباری عشایر را اجرا کرد و بدین سان از تعداد روستاها و عشایر کاسته شد و در مناطق شهری اسکان داده شدند. وی برای دسترسی سریع‌تر و ایجاد راه ارتباطی، اقدام به حفر تونل رنو نمود (خانسی، ۱۳۷۴: ۵۶). این سکونتگاه که تا زمان قدرت گرفتن رضاخان، حسین‌آباد شناخته می‌شد از آن پس به ایلام تغییر نام داد. با رونق گرفتن شهر ایلام همزمان با تصویب تقسیمات جدید کشوری در سال ۱۳۱۶ هـ.ش تا سال ۱۳۳۵ هـ.ش گستره شهر بین محدوده‌های میدان خیام، خیابان خیام، خیابان انقلاب، خیابان تختی و خیابان سعدی قرار داشته است (شوهانی، ۱۳۷۸: ۱۵۹). از طرف حکومت مرکزی سرهنگ دوم غلامعلی زند به عنوان حاکم نظامی پستکوه^۱ تعیین شد. در همین زمان با استقرار نظامیان، ضرورت ایجاد می‌کرد که برای تحصیل فرزندان آنها چاره‌ای اندیشیده شود. هرچند آموزش و پرورش به سبک جدید بعد از جنبش مشروطه در ایران رایج شده بود؛ ولی در منطقه ایلام، والیان در محدوده قلمرو خود اجازه تأسیس مدارس به سبک جدید را نداده بودند. لازم به ذکر است که پس از استقرار سلطنت رضاخان و حاکمیت نظامی در ایلام، آموزش و پرورش در این منطقه به طور رسمی شروع به کار کرد. در زمان محمدرضاشاه نیز با ادامه سیاست‌های پدرش (رضاشاه) مبنی بر اسکان

۱. در آن برهه، پستکوه به دامنه‌های غربی زاگرس و پیشکوه به دامنه‌های شرقی اطلاق می‌شده است.



عشایر و تقویت مرکزیت شهر ایلام، مهاجرت‌ها از روستاهای اطراف به این شهر شدت گرفت و محدوده‌های فیزیکی شهر ایلام گسترش یافت و اغلب باغ‌ها و زمین‌های زراعی تحت پوشش ساخت و ساز شهری قرار گرفت (نعمتی، ۱۳۹۳: ۴۲-۴۷).

پس از اجرای سیاست اصلاحات ارضی و جابجایی جمعیت روستایی به شهر ایلام، محدوده فیزیکی شهر تا سال ۱۳۵۴ به خیابان‌های جمهوری در شرق، آیت‌الله صدوقی در شمال، رسالت در غرب و اشرفی اصفهانی در جنوب محدود بود. تغییر ایلام از فرمانداری کل به استان؛ همچنین پیروزی انقلاب اسلامی و تبیین رویکرد حمایت از محرومین و واگذاری اراضی ارزان‌قیمت به قشر کم‌درآمد، منجر به افزایش مهاجرت‌ها به شهر ایلام و توسعه فیزیکی شهر و گاهی شکل‌گیری جریان حاشیه‌نشینی شد. بافت حاشیه‌نشینی به شکل ازهم‌گسیخته و فاقد نظارت تا پایان جنگ در سال ۱۳۶۷ ادامه یافت (شوهانی، ۱۳۷۸: ۱۶۰).

گسترش فیزیکی و رونق زیرساخت شهری ایلام پس از پیروزی انقلاب اسلامی

در سال ۱۳۵۷ هـ.ش و با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اختلافات سیاسی - عقیدتی ایران و عراق ابعاد تازه‌ای به خود گرفت و دولت عراق با تهاجم به ایران، برخی نقاط مانند خرمشهر، سوسنگرد، مهران و ... را اشغال کرد (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۳۴۶). با آغاز جنگ تحمیلی، شهرنشینی در ایلام وارد مرحله جدیدی شد. مردم ایلام به علت بمباران‌های مکرر حکومت عراق، خانه‌های خود را ترک کردند و در طول دوران دفاع مقدس، بخصوص سال‌های پایانی جنگ، در دامنه ارتفاعات شهر اسکان داشتند (پورجباری، ۱۳۸۹: ۳۶). با شروع بمباران مناطق مختلف استان، از جمله شهر ایلام و در طول ۸ سال جنگ، علاوه بر به هم خوردن نظم و انضباط شهری و انتقال مراکز دولتی و خصوصی اعم از ادارات، بانک‌ها، مدارس، ارگان‌های مختلف و بازارها و ... به زیر چادرهای خارج از شهر، روند توسعه شهری نیز تا حدودی متوقف شد. مردم به‌خاطر تخریب مناطق شهری در جریان بمباران‌های هوایی عراق، به ندرت به ساخت و ساز و توسعه ملزومات شهری می‌پرداختند؛ بدین ترتیب ساخت و سازهای شهری ایلام که به صورت جدی از زمان وایان آغاز شده بود

در دوران جنگ تا حدودی کاهش یافت؛ ولیکن پس از جنگ با حدود چهل درصد تخریب مورد بازسازی قرار گرفت و در نتیجه ایجاد امنیت و ثبات و آرامش، روند گسترش شهرنشینی در شهر ایلام رو به توسعه نهاد (شوهانی، ۱۳۷۹: ۷۸). پس از پایان جنگ و از سال ۱۳۶۷ به دلیل مهاجرت آوارگان جنگی شهرهای مرزی چون مهران به شهر ایلام، محدوده شهر گسترش پیدا کرد؛ چنانکه شهرک شهید رجایی سرطاف جهت اسکان مهاجرین در حاشیه شهر ایلام ساخته شد. رشد محله حاشیه‌ای بانبرز نیز از عوامل توسعه فیزیکی در محدوده شهری ایلام بود. اهمیت این مرحله از توسعه شهر ایلام به مسئله بازسازی شهر و ملزومات آن بازمی‌گردد (مشاهدات شخصی نگارنده).

پس از امضای قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ، توسعه شهر ایلام به صورت چشمگیری افزایش یافت. همزمان با پایان جنگ و فراغت دولت از مسائل دفاع و بحران‌های ناشی از ادامه جنگ، برنامه‌های مدرنی برای توسعه‌های آتی، تعیین و در نظر گرفته شد. از این زمان به بعد، توسعه آتی شهر ایلام در گرو تهیه طرح‌های آماده‌سازی بود و بر اساس پیشنهادات طرح جامع و تفصیلی شکل گرفت. این دوره به دلیل ایجاد خدمات و زیرساخت‌های مختلف در قالب طرح بازسازی، باعث رشد چشمگیر جمعیت شد؛ به طوری که جمعیت شهر از ۸۹ هزار نفر در سال ۶۵ هـ.ش به ۱۲۶ هزار نفر در سال ۷۵ هـ.ش بالغ گردید (اطلاعات آرشیوی اداره مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۳: ۲۱). از سال ۱۳۷۵ هـ.ش تا کنون نیز با افزایش طرح‌های عمرانی و رفاهی و بهداشتی در سطح شهر و اعمال کنترل‌های بیشتر بر نحوه ساخت و ساز و توسعه در قالب طرح‌های مهندسی و پیش‌بینی شده، محدوده فیزیکی شهر توسعه یافت و جمعیت نیز به همان نسبت افزایش یافت. وجود جنگل‌ها، مراتع و معادن و احداث پالایشگاه‌ها و نقاط صنعتی از جمله جنبه‌های حوزه اقتصادی است که در تسریع رشد و توسعه فیزیکی شهر ایلام در سال‌های پس از پیروزی انقلاب تأثیرگذار بوده‌اند. گشایش ارتباط مرزی بین ایران و کشور عراق و تبادلات بازرگانی، علمی، فرهنگی و زیارتی نیز در این امر بی‌تأثیر نبوده است. زمین‌های حاصلخیز کشاورزی نواحی شمالی استان ایلام در منطقه کوهستانی رشته‌کوه زاگرس، به دلیل نزولات جوی از دیرباز مستعد کشت دیم و انواع محصولات کشاورزی همچون حبوبات

و صیفی جات بوده است. مراتع در مناطق مختلف اطراف شهر ایلام نیز به خاطر وجود آب و هوای مساعد مورد استفاده برای پرورش دام بوده است که می‌توانسته در اقتصاد و معیشت ساکنان تأثیر بسزایی داشته باشد. با توجه به این مطالب به نظر می‌رسد که معیشت غالب مردمان این منطقه تا دوره معاصر و کشف معادن و ذخایر و احداث صنایع، بر پایه کشاورزی و دامپروری بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و رشد و توسعه صنایع و معادن، استان ایلام نیز با توجه به برخورداری از مواهب الهی در زمینه نفت و گاز، بستر مناسبی برای احداث صنایع پتروشیمی و پالایشگاه محسوب می‌شد؛ بنابراین با احداث پالایشگاه و صنایع پتروشیمی در ایلام، اشتغال‌زایی و رونق اقتصادی و تبع آن، جذب جمعیت و گسترش شهر ایلام صورت گرفته است که بهره‌برداری از آنها در سال‌های آتی، فرصت‌های مناسب شغلی و تولیدی را به همراه خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

منطقه ایلام به لحاظ طبیعی و اقلیمی و برخورداری از موقعیت جغرافیایی مناسب، اقوام گله‌دار و دامپرور را به خود جلب کرده است. اکثر مورخان و جغرافی‌دانان اسلامی از موقعیت سیاسی سخن به میان آورده‌اند؛ بر این اساس، در شکل‌گیری شهر ایلام می‌توان قائل به رابطه میان سطوح اقتصادی و سطوح سیاسی بود و این رابطه نه از جنس وابستگی یا استقلال مطلق؛ بلکه نسبی است و زمانی معنا می‌یابد که نوعی پیوند علی وجود داشته باشد؛ اما این پیوند علی به وابستگی کامل نمی‌انجامد؛ به عبارت دیگر، سطوح سیاسی و اقتصادی نه کاملاً وابسته به هم و نه کاملاً مستقل از هم هستند؛ بنابراین می‌توان علل سیاسی - اقتصادی را صرفاً به عنوان مجموعه‌ای از عوامل در نظر گرفت که به شکل‌گیری و انسجام یک مجموعه می‌انجامند. در نهایت با بررسی عوامل اصلی شکل‌دهنده شهر ایلام می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به آثار تمدنی به دست آمده در کاوش‌های باستان‌شناسی، شهر ایلام همواره محل سکونت ابنای بشر بوده است و از قدمت تاریخی برخوردار است. در طول تاریخ با نام‌های رذ، ماسبدان، الام، حسین‌آباد، دهبالا و ... شناخته شده است. از نظر حاکمیت سیاسی نیز تحت قلمرو عیلام و

آکد و حکومت‌های باستانی بود و سرانجام در زمان ساسانیان مانند سایر مناطق قلمرو ساسانی به دست اعراب تسخیر شد و از آن پس به علت همجواری با عراق و داشتن آب و هوا و شرایط مساعد جغرافیایی مورد توجه دستگاه خلفا بود. این سرزمین در برهه‌ای از تاریخ خود، تحت حاکمیت اتابکان لر کوچک و پس از آنان توسط والیان پشتکوه اداره می‌شد که در زمان حاکمیت والیان پشتکوه و احداث قلعه حسینقلی خان ابوقدره، روند گسترش شهر و ساخت و ساز آن شروع گردید. شهر ایلام و شهرستان‌های تابعه، سابق بر این و در دوران حاکمیت پهلوی به عنوان بخشی از استان کرمانشاه شناخته می‌شد که از سال ۱۳۴۳ هـ.ش به عنوان فرمانداری کل به صورت نیمه‌مستقل اداره می‌شد. ایلام در فروردین‌ماه ۱۳۵۳ هـ.ش و پس از تصویب هیئت وزیران به استان تبدیل شد. مهاجران زیادی از شهرستان‌ها و روستاهای اطراف در ایلام مسکن گزیدند و شهر از نظر فیزیکی رو به توسعه نهاد. پس از آن، توسعه ادارات و ارگان‌ها و سایر ملزومات شهری در دستور کار قرار گرفت؛ هرچند با شروع جنگ تحمیلی تا حدودی از توسعه باز ایستاد؛ ولیکن پس از جنگ و برقراری ثبات و آرامش، روند رشد و توسعه شهر بیش از پیش ادامه یافت.

منابع و مأخذ

- آمیه، پیر (۱۳۸۱)، تاریخ عیلام، ج ۳، ترجمه شیرین بیانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ارزانی، مصدق (۱۳۹۳)، شکل‌گیری شهر ایلام از نگاه جغرافیایی و تاریخی، ایلام: آوای تاریخ.
- استارک، فریا (۱۳۶۴)، سفرنامه الموت، لرستان و ایلام، ترجمه علی‌محمد ساکی، تهران: علمی فرهنگی.
- اطلاعات آرشیوی اداره مسکن و شهرسازی، بر اساس طرح آمایش، (۱۳۷۳).
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۲)، ایلام و تمدن دیرینه آن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اکبری، مرتضی (۱۳۸۶)، تاریخ استان ایلام از آغاز تا سقوط قاجاریه، قم: فقه



- بهرامی، روح‌الله (۱۳۷۵)، تاریخ سیاسی - اجتماعی لرستان پشتکوه در عصر فرمانروایی والیان علوی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- بیانی (اسلامی ندوشن)، شیرین (۱۳۶۷)، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۱، شیراز: مرکز نشر دانشگاه.
- پورجباری، پژمان (۱۳۸۹)، اطلس جغرافیای حماسی، تهران: صریر.
- جعفری، علی و فرشید جعفری (۱۳۹۰)، «نگاهی به وضعیت ایلام در دوره ساسانی»، پژوهش در تاریخ، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۲۵ تا ۱۵۲.
- خانی، محمدحسین (۱۳۷۴)، گذری بر تاریخ ایلام، ناشر: مولف.
- دمورگان، ژاک (۱۳۹۶)، سفرنامه دمورگان، ج ۲، ترجمه کاظم ودیعی، تهران: دنیای کتاب.
- دیاکونوف، ا. ام. (۱۳۴۵)، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ذاکری، حجت‌الله (۱۳۸۸)، ایلامیان، ناشر: مؤلف.
- راولینسون، هنری کرزیک (۱۳۶۲)، سفرنامه راولینسون (گذر از ذهاب به خوزستان)، ترجمه سکندر امان‌اللهی چهاروند، تهران: آگاه.
- رزم‌آرا، حاجی‌علی (۱۳۲۰)، جغرافیای نظامی پشتکوه، بی‌جا: بی‌نا.
- سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۸۴)، نخستین شهرهای فلات ایران، تهران: سمت.
- شوهانی، سارا (۱۳۹۶)، «ارزیابی، نقش و جایگاه مشخصه‌های سیاسی، اجتماعی ایلی، در انسجام عشایر پشتکوه در دوران قاجار»، تاریخ نو، سال هفتم، شماره بیستم.
- شوهانی، محمد (۱۳۷۸)، گسترش فیزیکی شهر ایلام و پیامدهای زیست‌محیطی آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- شیخی، حجت (۱۳۸۱)، «روند تاریخی سکونت و شهرنشینی در ایلام»، فرهنگ ایلام، شماره ۱۱ و ۱۲، صص ۹۰ تا ۹۳.
- صراف، محمدرحیم (۱۳۸۴)، مذهب قوم ایلام، تهران: سمت.
- کرمی، ماندانا (۱۳۸۲)، بررسی نقش زن در آثار ایلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم

- انسانی.
- کریمر س. (۱۳۴۰)، الواح سومری، ترجمه داوود رسایی، تهران: ابن سینا و فرانکلین.
 - مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۰)، تاریخ تمدن ایلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
 - محمودیان، حبیب‌الله (۱۳۸۹)، «حولات فرهنگی و تاریخی بخش شمالی دهه میشخاص در هزاره اول پیش از میلاد»، فرهنگ ایلام، شماره ۲۶ و ۲۷.
 - _____ (۱۳۹۳)، جغرافیای تاریخی و گردشگری شهرستان ایلام، ایلام: زاگرو.
 - مرادی مقدم، مراد (۱۳۸۶)، تاریخ سیاسی - اجتماعی کردهای فیلی در عصر والیان پشتکوه، تهران: پرسمان.
 - نعمتی، نورالدین (۱۳۹۳)، نظام نوین آموزش در ایلام، تهران: نگاه.
 - هرتسفلد، ارنست (۱۳۵۴)، تاریخ باستانی ایران، ترجمه اصغر حکمت، تهران: انجمن آثار ملی.
 - هیتس، والتر (۱۳۷۱)، دنیای گمشده عیلام، ترجمه فیروزنیا، تهران: علمی و فرهنگی.
 - یاری، سیاوش (۱۳۸۰)، «گذری بر تاریخ چند هزار ساله ایلام»، فرهنگ ایلام، شماره ۷ و ۸، صص ۴۲ تا ۴۷.
 - یعقوبی، ابراهیم (۱۳۸۶)، تاریخ والیان پشتکوه، تهران: چاپخانه نوید اسلام.
 - یعقوبی، احمدبن اسحاق (۱۳۸۲)، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.